

نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد در مسیر تربیت انسان تراز مهدویت در هندسه نظم نوین جهانی*

محمدعلی برزونی^۱

مهدی فاتح راد^۲

چکیده

نظم موجود جهانی، ریشه در تحولات مهم ترین پیشران آن؛ علم و فناوری دارد که با غایت تبدیل انسان به «خدا - انسان»، پویایی مدنظر خود را سامان دهی می کند و انسان آرمانی غربی را به واقعیت می رساند. نظام تعلیم و تربیت فعلی حاکم، با تربیت انسان سلطه پذیر، شأن عبودیت انسان را به خود بستگی و همی فرو می کاهد که سرانجام آن، ناکجا آبادی ازهم گسیخته و سرسام آور است. انسان آرمانی ازمنظر دین مبین اسلام، حاصل نظام تزکیه، تعلیم و تربیت متناسب، «انسان حکیم» در تراز مهدویت است و در آخرین خطبه ماندگار نهج البلاغه شریف از امام علی علیه السلام با تبیین امام زمان عجل الله تعالی فرجه، ظهور بنیادین یافته است. در تحقق انسان و گروه های انسانی حکیم از نگاه تحلیل کلان، مؤلفه های سه گانه «فرد - جمع، ظاهر - باطن و نظر - عمل» با تأکید بر یکپارچگی «نظر - عمل» و راهبری متناسب به اتحاد و قوام می رسد. از منظر ترکیبی، منطق ربوبیت به عنوان منطق وصل، در برابر منطق فصل نظام سلطه جهانی، خود را در شبکه کانون ها متجلی می کند. این منطق جدید، با مراتب نفس، مراتب خلیفگی، مراتب اراده و مراتب ربوبیت، به سوی بساطت میل می کند و عبودیت حق را برای انسان به کمال می رساند. منظومگی ربوبیت تبیین شده، با یکپارچگی خانه، مدرسه، مسجد (مراکز حکمت بنیان) و دانشگاه (شبکه مراکز حکمت بنیان) معین می شود که در کانون آن، دانشگاه حکمت بنیان قرار دارد که غایت آن، منظومه حکمت بنیاد و انسان تراز مهدویت در نظم نوین جهانی است. در این مقاله با رویکردی بنیادین و روشی تحلیلی - اجتهادی، نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد را در مسیر تربیت انسان تراز مهدویت در هندسه نظم نوین جهانی معرفی می کند.

واژگان کلیدی

انسان تراز مهدویت، حکمت، نظام تعلیم و تربیت، ربوبیت، دانشگاه حکمت بنیان، هندسه نظم

* تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۸

۱. استادیار دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، دانشکده و پژوهشکده پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله تهران، ایران (نویسنده مسئول)
(mbrzoni@ihu.ac.ir)

۲. استادیار دانشگاه صنعتی شریف، پژوهشکده سیاست گذاری تهران، ایران (fatehrm@sharif.ir).

نظام تعلیم و تربیت حاکم بر جهان، منطقی گسسته را دنبال می‌کند که حاصل آن، تربیت انسان سلطه‌پذیر است. این نظام، باید به هم بخورد و نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد، با منطقی پیوسته در منظومه ربوبیت در دانشگاه حکمت‌بنیان، جایگزین آن شود تا در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی، با تربیت و پرورش انسان تراز مهدویت و تولید دانش و فناوری نافع و دستیابی به مرجعیت حکمی، عصر ظهور، رقم بخورد و به تعبیر قرآن حکیم (لیظهره علی الدین کله) (فتح: ۲۸)، تحقق یابد و مستضعفان زمین، وارث آن گردند (قصص: ۵).

منطق مورد نظر در این مقاله، هم‌افزایی علوم انسانی، پزشکی، مهندسی و علوم پایه را در یک منظومه ترکیبی حکمت‌بنیاد با شأن هنری ممکن می‌کند. نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد حاصل در هندسه نظم نوین جهانی، با حضور فعال و خلاق، در کانون خود، پرورش فکر را نهاده که غایت آن، پرورش انسان اخلاقی تراز مهدویت در مسیر فلسفه خلقت او؛ اوج خلافت الهی و نیز گروه‌های انسانی حکیم و شبکه حاصل در تراز تمدن نوین اسلامی است که تحقق آن در بیانیه گام دوم، تأکید شده است.

دانشگاه حکمت‌بنیان در منظومگی ربوبیت، متولی طراحی و تحقق این منطق است که در سیر آرمان‌گرایی واقع‌گرایانه مربوط، معرفی می‌شود. در این سیر، حرکت از الگوی تحلیل کلان تا ترکیب، بیان می‌گردد و زمینه برای معرفی سطح بساطت، فراهم می‌شود سطح بساطت، با حکمت بالغه عجین است که الگوی حکمت در سطح ترکیب محسوب می‌شود و حکمت، خود الگوی نفع (نوآوری - فناوری - علم/نظر - عمل - فناوری) در سطح تحلیل است.

مقاله‌های مهدویت و اصول نظام تربیتی اسلام، از صالحی (۱۳۸۶)، سیمای مهدویت در برنامه‌های آموزشی مدارس: رویکردی به فلسفه تربیتی انتظار، از مرزوقی (۱۳۸۷)، الگوی مفهومی - عملیاتی راه‌انداز راهبردهای تربیت مهدوی در نظام آموزشی کشور، از حسین بقایی و همکاران (۱۳۹۲)، تحلیل‌های تربیتی سند تحول بنیادین نظام تعلیم و تربیت، از کریمی عقدا و اشکذری (۱۴۰۰)، آینده پژوهی تعلیم و تربیت مهدوی با رویکرد همگرایی فناورانه از کارگر شورکی و پاک‌نژاد (۱۴۰۰)، از جمله مقاله‌هایی است که به نوعی ارتباط موضوعی با این مقاله پیدا می‌کنند، اما هیچ‌کدام به این موضوع، نگاه حکمت‌بنیاد نداشته‌اند و از این منظر، مقاله، واجد نوآوری است. این مقاله با رویکردی بنیادین و روشی تحلیلی - اجتهادی، تلاش می‌کند نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد را در مسیر تربیت انسان تراز مهدویت در هندسه نظم نوین

جهانی معرفی کند.

از انسان گرایی تا فرانساز گرایی

نظم موجود جهانی، ریشه در تحول های مهم ترین پیشران آن؛ علم و فناوری دارد که با غایت تبدیل انسان به «خدا- انسان»^۱ (انسان نوع ۲) پویایی مدنظر خود را سامان دهی می کند و انسان آرمانی غربی را به واقعیت می رساند.



از انسان گرایی تا فرانساز گرایی

از منظری اجمالی، «اصطلاح اومانیزم^۲ از کلمه لاتین humanitas به معنی انسانیت و انسان دوستی به عنوان پایه اندیشه و عمل آمده است. اصطلاح اومانیزم را انسان گرایی و مکتب اصالت انسان ترجمه کرده یا در مقام ترجمه آن عباراتی مشابه به کار برده اند (فاتح راد و برزنونی، ۱۴۰۱ش: ۱۶-۱۷). انسان، «موجود معناتطلب» است (برزنونی، ۱۳۹۶ش: ۸۱). از منظری دیگر، نظریه انسان، حیوان ناطق، مردود شمرده شده و به جای آن، انسان «حی متألّه» (زنده الهی) معرفی شده (جوادی آملی، ۱۳۸۶ش: ۱۶-۲۰؛ همو، ۱۳۸۴ش: ۱۵۰) و صفت مائت (میرا) نیز بر آن افزوده شده است (همو، ۱۳۸۴ش: ۱۵۰). تمدن غرب در تقابل با کلیسای منحرف شده از آموزه های حضرت مسیح صلی الله علیه و آله، به اومانیزم رسید و در ادامه به فرانساز گرایی رسیده است.

در عرصه همگرایی علوم و فناوری ها در سطح جهانی با زبان مختص خود؛ هوش مصنوعی، زمینه ساز است و توسعه آن، نقش اساسی بازی می کند، اما باید به ابعاد تاریک آن نیز توجه داشت. هوش مصنوعی که هوش ماشینی هم می توان به آن اطلاق کرد، شبیه سازی فرایندهای هوش انسانی شامل ادراک، یادگیری، کشف دانش، استدلال، خوداصلاحی و توجه برای حل مسائل توسط ماشین ها و سیستم های رایانه ای است. این شبیه سازی پیچیده، گذشته از الزام های مسئولیت پذیرانه، پیامدهای قابل توجهی نیز خواهد داشت که موجب بروز پاره ای نقدهای جدی بر آن شده است. دریفوس در نقد هوش مصنوعی و پردازش زبان

1 deo - sapien
2 Humanism

طبیعی معتقد است «اگرچه رویکرد پردازش نمایه در حوزه منطق صوری و ریاضیات است» اما در قلمروهایی نظیر فهم زبان طبیعی، هوش مصنوعی کلاسیک، الگوی مناسبی از ادراک و استدلال روزمره ارائه نمی‌کند (دوسک، ۱۳۹۳: ش: ۸۹).

همچنین تکنیکی فناوری^۱ مورد توجه و هشدار برخی صاحب نظران، براین پیش فرض اساسی مبتنی است که در زمانی بین ۲۰۴۰ تا ۲۰۵۰ میلادی، هوش ماشینی بر هوش انسانی پیشی می‌گیرد و ما با انفجار هوشمندی مواجه خواهیم شد. عوامل هوش مصنوعی، به صورت ابرهوشمند در خواهند آمد و قدرت آنان، جوامع انسانی را به کنترل خود در خواهد آورد (سرل، ۱۳۹۶). این توسعه فراگیر، به دیکتاتوری دیجیتال و تخلیه اطلاعاتی جسمی و ذهنی کامل انبای بشر و نهایتاً عدم استقلال آنها منجر می‌شود که هم‌گرایی علوم و فناوری‌ها^۲ نیز به این امر، یاری می‌رساند. در این راستا گذشته از حکمرانی ویژه بر آن، حکمرانی هوشمند یا حکمرانی از طریق هوش مصنوعی نیز، به طور خاص باید مورد بررسی قرار گیرد.

مسئله بقا و چگونگی سلطه بر محیط پیرامونی، یکی از مسائل بسیار مهم بشر در طول تاریخ بوده است. با پیشرفت چشمگیر فناوری‌های اطلاعات در عصر مدرن، انسان به این تلقی رسید که می‌توان با به‌کارگیری ابزار فناوری و ادغام آن با قابلیت‌های انسانی، از محدودیت‌های زیستی جسم خود فراتر رفته (فرانسان) که توانایی فائق آمدن بر هر مشکلی را داشت.

«فرانسان‌گرایی»^۳ نخستین بار توسط جولیان هاکسلی^۴ زیست‌شناس انگلیسی در سال ۱۹۵۷ در کتاب دین بدون مکاشفه،^۵ مطرح شد (تفنگچی و دیگران، ۱۴۰۱: ش: ۲۲۹) چندسال بعد، ناتاشا ویتامور،^۶ مانیفست فرانسانی را نگاشت که اساس اعلامیه ترانس اومانستی قرار گرفت (مادوران، ۲۰۱۹: م: ۱). چندی بعد، نظریه فرانسان‌گرایی توسط نیک باستروم،^۷ ناتاشا ویتامور و مکس مور^۸ در سال ۱۹۹۸ ارائه شد (تفنگچی و دیگران، ۱۴۰۱: ش: ۲۲۹).

جنبش فرانسان‌گرایی با عمر کمتر از چند دهه، با اعتقاد به این‌که انسان می‌تواند کنترل تکامل نوع بشر را به دست بگیرد، به فناوری نقش محوری می‌دهد و با اندیشه دسترسی به «ابرانسان» به دنبال قدرت‌های فراابشری با استفاده از فناوری با رشد پرشتاب آن، برای

1 Technology Singularity
2 Science & Technology Convergence
3 Trans-Humanism
4 Sir Julian Sorell Huxley
5 Religion Without Revelation
6 Natasha Vita-Mor
7 Nick Bostrom
8 Max Mor

کنترل تکامل بشر، افزایش طول عمر و بالا بردن کیفیت زندگی انسان و تبدیل شدن به ابرقهرمان جاودانه در آرمان شهر خود ساخته است. مطابق این باور، ما به خدا «نیازی نداریم؛ خود بدل به خدایان خود خواهیم شد!»

فراانسان‌گرایان با مطالعه فواید و مضرات بالقوه ظهور فناوری که می‌تواند بر محدودیت‌های انسان فائق آید، به بررسی موضوع‌های اخلاقی مرتبط با توسعه و استفاده از فناوری می‌پردازند. حتی از امکان تبدیل انسان به موجودی با توانایی‌های گسترده سخن می‌گویند که توجیه‌گر وضعیت «پسانسانی» در هستی و ارتقای آن است (مک‌نامی و ادواردز، ۲۰۰۶م: ۱۶). این جنبش، در جستجوی دائمی برای بازآرایی بیولوژیکی گونه‌های انسانی ناراضی در مواجهه با محدودیت‌ها خود است (مور، ۱۹۹۰م: ۷).

نیک باستروم، ناتاشا ویتامور و مکس مور، به عنوان اولین نظریه‌پردازان فراانسان‌گرایی، تأکید کرده‌اند که انسان برای بقا و حیات، نیاز به تکامل دارد و با قراردادن فناوری در ساختار بدن خود، می‌تواند به شکل جدیدی از انسان تکامل یافته تبدیل شود (سانتاللا، ۲۰۰۳م: ۲۳؛ مک‌نامی و ادواردز، ۲۰۰۶م: ۱۵؛ براون، ۲۰۲۱م: ۱؛ حسن بولوت، ۲۰۲۱م: ۱). فراانسان‌گرایی به کمک هوش مصنوعی، موجب بازنگرش نقش اجتماعی و کارکردی بدن می‌شود، به گونه‌ای که بدن به عنوان رسانه اصلی فعالیت‌های انسان به یک رسانه ثانویه برای انجام فعالیت‌های روزمره، تبدیل خواهد شد و هویت نیز مورد بحث قرار خواهد گرفت (تفنگچی و دیگران، ۱۴۰۱ش: ۲۳۰).

توسعه بدون مرز، خوددگرگونی، خوشبینی پویا، فناوری هوشمند، تیشیر اهداف انسان‌ساز، نظم خودانگیخته، آینده پایدار، تثلیث دیجیتال،^۱ تکنوانسان محوری، آرمان شهر فناورانه،^۲ هک بدن با واقعیت مجاری و هوش مصنوعی، سایبورگ‌های فوق هوشمند، از جمله واژه‌ها و مفاهیمی است که در ادبیات این عرصه آمده است (مک‌نامی و ادواردز، ۲۰۰۶م: ۱۷؛ کریمی و اردلانی، ۱۳۹۶ش: ۷۷، ۸۳ و ۸۴؛ هاردی، ۲۰۱۸م: ۱؛ گیسن، ۲۰۱۸م: ۴۳؛ لاترز، ۲۰۲۲م: ۳۴۰؛ میلر، ۲۰۲۲م: ۱).

در نگاه غالب فراانسان‌گرایان، همراه با رشدنمایی فناوری، فناوری اطلاعات، به هوش «ناب» دست خواهد یافت، هوش مصنوعی بر هوش بشری تفوق پیدا خواهد کرد و

1 Digital Trinity
2 Techno-Utopian

بشریت با این هوش برتر ادغام خواهد شد. در فرآیند گرایبی به کمک هوش مصنوعی،^۱ فیزیولوژی یا هوش انسان، مورد اصلاح یا افزایش قرار می‌گیرد تا بدین سبب، یک انسان پیشرفته جدید ظهور پیدا کند، انسانی که از نظر فرانسیس فوکویاما، خطرناک‌ترین انسان تاریخ بشریت است (ربیعی، ۱۴۰۱ش: ۱۴۲). انسان در عصر فرآیند، چه جایگاهی دارد و آینده با وجود ترکیب این دو، چگونه خواهد بود.

تجلی همگرایی در فرآیند گرایبی غرب

در فضای علوم و فناوری‌های همگرا، غایت برخی از متفکران، بر تحقق فرآیند گرایبی (لیوینگستون، ۲۰۱۵م) یا انسان نوع ۲ (ایزرو، ۲۰۱۶م) در ادامه اومانیزم رنسانس به بعد و در تقابل با استیلای کلیسای دورشده از آموزه‌های مسیحیت اصیل، جایگاه بنیادینی در تمدن غرب پیدا کرده و با عصر روشنگری تداوم یافته و به اوج تسلط و اشراف رسیده است. تمرکز بر فرآیند گرایبی، یادآور ابرمرد نیچه^۲ است. «چه با فناوری ساده و چه با فناوری بالا، انسان آینده، بیشتر به ابرانسان شبیه است تا یک روح شناور آزاد. میراث فرهنگی چشمگیر فردریش نیچه، خودتباهی خلاق او را در جستجوی آرمان ابرانسانی برانگیخت» (فولر، ۱۳۹۳ش: ۹۸). همچنین در این فضا، فوکو معتقد است که نیچه به ما نشان داد که مرگ خدا، به معنای ناپدید شدن انسان و تولد فرآیند است (ضمیران، ۱۳۹۰ش: ۲۱). شأن فرآیند گرایبی به فناوری‌های همگرا و رسیدن انسان به آمیزه‌ای «خدایی - نفسانی» و بی‌مرگی سایبری به منزله نوعی مذهب عصر جدید می‌انجامد که امری فراتر از داروین‌گرایی است و در ورطه «صنع هوشمند» گام نهاده (فولر، ۱۳۹۳ش: ۲۶۵-۲۶۷) و به سمت صفر رفتن بیماری‌ها و ایجاد تغییرهای ژنتیک، حتی از دوران جنینی است که بحث از آن، خود نگارش مستقلی را می‌طلبد. پدیدار شدن پسانسان‌گرایی^۳ و فرآیند گرایبی، به نوعی درمقابله با اومانیزم روشنگری غرب مدرن است که با مخالفت با مفروض‌های اروپایی محور، مردسالارانه، عقل‌گرایانه و انسان‌محورانه اومانیزم، این نگرش را مانع از حیات سایر اشکال زندگی بر روی کره می‌داند که آینده انسان را به خطر می‌اندازد (کول - ترنر، ۲۰۲۲م: ۳۸). هر دو دیدگاه پسانسان‌گرایی و

1 Artificial intelligent

۲. ابرانسان یا فوق بشر یا ابرمرد، مفهومی در فلسفه فردریش نیچه است که از سوی وی به عنوان هدفی برای انسان، در کتاب «چنین گفت زرتشت» بیان شده است. واژه ابرانسان برای انتقال سه مفهوم فلسفه نیچه؛ «انسان» (Mensch)، ابرانسان (Übermensch) و واپسین انسان (der letzte Mensch) به کار رفته است. مفهوم مورد نظر نیچه از نام‌گذاری «ابرانسان»، «انسان کامل» است که به زعم او، پس از اعلام مرگ خدا! آزادی راستین دریافته است.

3 Posthumanism

فراانسان گرایی، دیدگاه ذات‌گرایانه طبیعت‌هنجاری انسان را رد می‌کنند (همان: ۳۹). برخی فراانسان‌گرایی را متمایز از پسانسان‌گرایی دانسته‌اند که در برابر ایده حاکمیت سلسله‌مراتبی انسان بر سیاره زمین بحث کرده و به جای آن، شبکه‌ای سیال، افقی و برابری طلبانه از روابط بین انسان‌ها و محیط پیرامون را پیشنهاد می‌کند. در نگاه فراانسان‌گرایی، انسان‌های فانی، درنهایت بی‌ارزش بوده و بشریت، در شرف پایان دادن به نقش تکاملی خود بر روی زمین است (ترنر و برمن، ۲۰۲۲م: ۱۸).

فراانسان‌گرایی در دوران حیات مصنوعی

در ابروادی/پارادایم حیات مصنوعی، هوش انسانی بریده از محیط پیرامونی‌اش در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه انسان و محیط با یکدیگر و به مثابه یک کل، سامانه‌ای هوشمند را تشکیل می‌دهند. سه‌گرایش درخصوص حیات مصنوعی متصور است (محمدعلی خلج، ۱۳۹۳ش: ۱۱۸):

رویکرد خیس:^۱ پژوهش‌ها برای رفتار هوشمند بر روی بافت زنده انجام می‌شود و پیوند بسیار عمیقی با رشته بیولوژیک دارد.

رویکرد سخت:^۲ به دنبال ساخت ربات‌هایی با توانایی‌های زیستی است. ربات و محیط با یکدیگر و به‌عنوان یک کل در نظر گرفته می‌شوند.

رویکرد نرم:^۳ به شبیه‌سازی نرم‌افزاری رفتار جاندار درعرض کل محیط زیست و طول تکامل می‌پردازد و رفتار هوشمندانه^۴ را نتیجه درآمیختگی و داد و ستد جانداران با این محیط درحال تکامل می‌داند.

به عقیده جانسون (۲۰۰۸م: ۷۵)، مفهوم حیات مصنوعی بیش‌تر برای رویکرد سوم درنظر گرفته شده است. با توجه به این سه‌گرایش، در حال حاضر، فناوری‌های فراانسان‌گرایانه شامل موارد زیر است (جوستین، ۲۰۲۲م: ۱):

تعلیق کرایوژنیک:^۵ انجماد بدن یا مغز؛^۶

1 Wet
2 Hard
3 Soft

۴. در نگاهی پدیدارشناسانه برگرفته از نگاه دریفوس، رفتار هوشمندانه، حاکی تعادل درونی و بدنی با جهان بیرونی است. برهم خوردن این تعادل و تسلط بر محیط پیرامون، تلاش حس درونی را به متعادل‌سازی و تسلط بر محیط بیرون، برخواهد انگیخت.

5 Cryogenic Suspension

۶. این ایده، در کتاب چشم‌انداز جاودانگی از رابرت اتینگر (۱۹۶۲) آمده است. جیمز بدفورد استاد روان‌شناسی در سال



بارگذاری محتویات ذهن^۱ / شبیه‌سازی کل مغز^۲ / بارگذاری مغز و انتقال ذهن: امکان اسکن محتویات ذهن و بارگذاری آن بر روی رایانه با هدف شبیه‌سازی دوباره آنها و دستیابی انسان به جاودانگی دیجیتال؛

ابرهوش: فرار از محدودیت‌های هوش انسانی در شلیک نورون‌ها با فرکانس ۲۰۰ هرتز، انتقال سیگنال‌ها در سیستم عصبی با سرعت ۱۰۰ متر در ثانیه و محدود شدن اندازه مغز با جمجمه به سوی هوش مصنوعی با شلیک ترانزیستورها با یک گیگاهرتز، سرعت انتقال سیگنال‌ها با سرعت نور در رایانه و نبود محدودیت؛

ربات‌ها و سایبورگ‌ها:^۳ ناوابسته به بدن بیولوژیک؛^۴

ذهن به مثابه کندو:^۵ اتصال مغزها در یک گروه، مغز انسان و هوش مصنوعی به یکدیگر متصل شده تا یک مغز یا آگاهی جمعی به واسطه ترکیب فناوری‌ها و افزایش ظرفیت‌های مغز، پدیدار شود.

در عصر هوش مصنوعی و داده‌گرایی کلان، انسان در قالب مادی‌گرایان تصور می‌شود و ترجیح‌های انسان از قبیل غذا، لباس، سیاست، سرگرمی، ورزش، اتومبیل و...، هویت انسان را تشکیل می‌دهند و هوش مصنوعی، آدمی را بهتر از خودش می‌شناسد! از طریق این دگم‌گرایی داده‌گرایانه، فرسایش اساسی انسانیت رخ می‌دهد که با بت‌پرستی اطلاعات، جایگزین شده است. در دین داده‌گرایی کمی‌گرایی ماده‌گرا، آگاهی کیفی، تجربه ذهنی و ادراک قلب به‌عنوان تجربیات معنادار زندگی از توصیف واقعیت حذف شده است. فرانسوا گرابی، نشان‌دهنده تمایل به فراتر رفتن از هر نوع دیدگاه محافظه‌کارانه‌ای از انسان، به چالش کشیدن آدمی و کشف راه‌هایی برای تبدیل شدن به چیزی بهتر بوده و هویت انسان، بانک اطلاعاتی از خاطرات و توانایی‌های هر فرد است. انسان‌ها در نگاه دنیل دنت^۶ فیلسوف توتالیست

۱۹۶۷ بر اثر سرطان درگذشت و اولین نفری بود که به درخواست خودش، با امید به زنده شدن دوباره، در نیتروژن مایع، منجمد شد. هال فینی دانشمند رایانه، تد ویلیامز بازی‌کن بیس بال و فریدون اسفندیاری، نویسنده ایرانی، از جمله افرادی بودند که این فناوری را درخواست کردند و منجمد شدند.

1. Mind Uploading
2. WBE
3. Robots & Cyborgs

۴. دارپا؛ بخش نوآوری دفاعی در آمریکا در سال ۱۹۹۹، با مدیریت مایکل گلبلات، برنامه‌های پژوهشی ترکیبی زیستی با هدف ایجاد تلاقی بین موجودات زنده و ماشین‌ها را آغاز کرد و وجود سربازانی بدون ناتوانی جسمی، فیزیکولوژیکی یا شناختی، برای بقا و تسلط بر عملیات نظامی در آینده را ضروری دانست.

5. Hive Mind
6. Daniel Dennet

سایبرنتیک،^۱ صرفاً رایانه‌هایی متخصص اند که توهم آگاهی ایجاد می‌کنند؛ توگویی آدمی، صرفاً یک پردازش‌گر اطلاعات و داده‌هاست و مرگ، یعنی از دست دادن اطلاعات. حفظ این خاطرات، موجب جاودانه شدن فرد می‌شود (کورزویل، ۲۰۲۱م: ۴۳؛ ربیعی، ۱۴۰۱ش: ۱۴۳؛ تفنگچی و دیگران، ۱۴۰۱ش: ۲۳۵).

در نگاه هلمینسکی، انسانیت، طیفی از تجربه از امر شخصی تا کیهانی است؛ اما انسانیت واقعی را باید در چهارچوب یک واقعیت بزرگ‌تر درک کرد و آن، آفریده شدن آدمی در تصویر خالق است. تمامی سنت‌های معنوی از هندوئیسم گرفته تا یهودیت، مسیحیت و برتر از همه و جامع‌ترین آن؛ اسلام، بیان می‌کنند که انسان، موجودی است با زندگی درونی و معنوی آغشته با آگاهی، وجدان، اراده و عشق. بودیسم که تمایلی به ادعای گزاره‌های متافیزیکی مانند خود، روح و خدا ندارد، خرد، شفقت و دلسوزی را هدف عمل خود می‌داند (هلمینسکی، ۲۰۱۸م: ۱).

فراانسان‌گرایی، در مراحل بالاتر، فردیت را نیز به چالش می‌کشد؛ به دنبال حفظ اطلاعات فرد در یک دستگاه یا بدن به روش زیست‌شناسانه یا غیرزیست‌شناسانه است که این امر، ضمن خطر برای فرد، سبب تبعیض و نابرابری گسترده و افسار گسیخته و نیز مشکلات غیراخلاقی متعدد می‌شود (گراهام، ۲۰۰۲م: ۶۵؛ داودآبادی و خزاعی، ۱۳۸۷ش: ۱۱۳) و هویت حقیقی انسان را نابود می‌سازد. فراانسان‌گرایی، آخرت و پایان دوران زندگی انسان بر روی کره زمین را، ناشی از فناوری می‌داند که به طور جبرگرایانه توسط انسان، ایجاد شده است؛ غافل از آن که پایان دوران در تمامی کتب الهی توسط یک امر متعالی الهی، به وجود خواهد آمد.

در نگاه آکسو (۲۰۱۹م: ۱۵۷)، امروزه فناوری از هر نظر بر زندگی اجتماعی، ظرفیت‌های ارتباطی و همدلی تأثیر گذاشته و به بی‌شخصیت‌سازی و گسستگی منجر شده است. مردم زمان بیش‌تری را در حوزه روابط اجتماعی مجازی با هویت اجتماعی صرف می‌کنند. در فضاهای عمومی، شاهد حضور افراد زیادی هستیم که با گوشی هوشمند خود، ارتباط برقرار می‌کنند و به دنبال رضایت از آن‌اند تا افرادی که با آنها هستند! در نتیجه، خلأ همدلی به ویژه در نسل‌های کمسن‌تر، بیشتر دیده می‌شود. این انقلاب فناورانه در روابط اجتماعی، تنها آغازی برای ادغام هویت انسانی و هوش مصنوعی است (ربیعی، ۱۴۰۱ش: ۱۴۴؛ تفنگچی و دیگران، ۱۴۰۱ش: ۲۳۶). هوش مصنوعی به تدریج، ناملموس و بسیار پرشتاب، از آدمی پیشی می‌گیرد و وارد عرصه حکمرانی خواهد شد و او را وابسته به فرایندهایی می‌کند که ممکن است، خود

توسط هوش مصنوعی، طراحی شده باشد. با فرورفتن در اعماق اقیانوس هوش مصنوعی، تحت تأثیر جریان اطلاعاتی موجود، انتخاب‌ها نیز صرفاً برمبنای روایت‌هایی خواهد بود که واقعیت را شکل می‌دهند و نه آن چیزی که در بطن آن وجود دارد. با اجازه انسانی، به شرکت‌هایی قدرت داده می‌شود تا بر اطلاعات و داده‌های انسانی دسترسی پیدا کنند و این رشته، سر دراز دارد. کرامت انسانی در دنیای فرانسان‌گرایی، چه معنایی خواهد داشت، زمانی که کارکرد اصلی او به عنوان مصرف‌کننده در نظر گرفته می‌شود؟ بنابر اندیشه اصیل اسلامی و اندیشه‌های حکمی فلاسفه و عرفایی مانند ملاصدرا، علامه طباطبایی و امام خمینی رحمته‌الله علیه، خداوند سبحان، منزّه از بخل و خساست است و در مقام بذل تمام صفات و کمال‌های خود به انسان به عنوان خلیفه‌اش قرار گرفته و در صورت وجود ظرفیت در هر انسانی، صفاتی از جمله علم، قدرت، بخشش و... را به حد بی‌نهایت به او می‌بخشد. تنها ویژگی مستثنای این جرگه، ویژگی قائم به ذات بودن خداوند در آفرینش است که آن هم به دلیل محال عقلی از قاعده لطف خداوند استثنا شده است. این اندیشه، بیانگر همان وعده خلیفه‌اللهی خداوند به انسان است که در جای جای قرآن و احادیث اهل بیت علیهم‌السلام به آن اشاره شده است. آنچه در اندیشه اسلامی به انسان در جهت خداگونگی وعده داده شده، بسیار فراتر از چیزی است که در جنبش‌های فرانسان‌گرایی طلب می‌شود.

کثرت‌گرایی ارزشی ناشی از فرانسان‌گرایی، بشر را به دامان نسبیت‌گرایی پیچیده‌ای سوق خواهد داد و کمال مطلوب انسانی، با پرسش‌های هستی‌شناختی روبرو خواهد شد. تکثیرپذیری هوش مصنوعی و در مقابل منحصر به فرد بودن انسان‌ها، همانند شدن آفریده هوشیار الهی را با آفریده هوشمند بشری، با چالش مواجه خواهد ساخت، بگذریم از این‌که به تعبیر هانکینز^۱ نمی‌توان موقعیت اخلاقی آدمی را با یک فناوری، یکسان انگاشت (مازاریان، ۱۳۹۸: ش: ۱۷۹). شکاف نابرابری اقتصادی ناشی از فرانسان‌گرایی، معضلی جدی است؛ توگویی به تعبیر ماتیو گافسو^۲، تنها ثروتمندان می‌توانند از این قابلیت فراحیات بهره‌مند شوند (هاردی، ۲۰۱۸: م: ۱).

چگونه فرانسان‌گرایی سامان یابد تا بافت اجتماعی جامعه انسانی، آسیب نبیند و امنیت همه‌جانبه انسان و جهان، خدشه‌دار نشود. روی‌آوری به اخلاق فناوری، ضرورتی ویژه خواهد داشت تا در پرتو آن، آزادی و انتخاب آدمی در چارچوب فناوری نابود نشود، انسانیت‌زدایی^۳

1 Hankins
2 Matthieu Gafsou
3 Dehumanization

نظام مند صورت نگیرد. در هوشمندی، ممکن است ابزارها پیش بروند، که با شأن وهم انسان، عجین است، اما حوزه عقل فراتر از این عرصه گام برمی دارد و حکمت، فوق فناوری قلب است که عرصه دیگری را فراروی بشر قرار می دهد.

نظام تعلیم و تربیت حاکم بر جهان

در مسیر تحقق آرمان های بلند انقلاب اسلامی (جامعه اسلامی، دولت اسلامی و تمدن اسلامی)، نقش اساسی مراکز تعلیم و تربیت برای تحقق آرمان ها، در دو عرصه، کاملاً برجسته و متمایز است: پرورش انسان و تولید فکر، علم و فناوری. اما سوگمندان باید گفت این نظم و نظام تعلیم و تربیت فعلی حاکم در دنیا، شأن عبودیت انسان را به خودبسندگی وهمی فرو می کاهد که سرانجام آن، ناکجاآبادی از هم گسیخته و سرسام آور است.



به تصریح حضرت امام خمینی رحمته الله علیه:

دانشگاه ها باید تغییر بنیانی کند و باید از نو ساخته بشود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیت های اسلامی. اگر تحصیل علم می کنند، در کنار آن تربیت اسلامی باشد، نه آن که این ها را تربیت کنند به تربیت های غربی (۱۳۵۹ / ۰۱ / ۰۲).

مقام معظم رهبری نیز در بیان صریحی آورده اند:

آموزش و پرورش کنونی کشور ما، ساخته و پرداخته فکر ما و برنامه های ما و فلسفه ما نیست؛ این یک امر واضحی است؛ این هم جزء مسلمات است، منتها به آن توجه نمی کنیم (۱۳۸۶ / ۰۳ / ۰۵).

در عصر حاکمیت الگوهای تربیتی غربی ضد دین و مغایر با اهداف انقلاب اسلامی که در نتیجه نفوذ علمی، به عنوان خطرناک ترین نوع نفوذ (برزنونی، ۱۳۹۵) در ارکان نهاد تعلیم و

تربیت، پدید آمده، نیاز به تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت با جایگزینی الگوی نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد مبتنی بر اندیشه‌های انقلاب اسلامی، کاملاً مشهود است.

انسان آرمانی در ادوار تاریخ بشر

در یک برداشت اجمالی، نگاه آرمانی به انسان در طول تاریخ، خود را در عباراتی؛ چون اسطوره (یونان قدیم)، قدیس (قرون وسطی)، مهندس (تکنسین) افزارساز (از رنسانس به بعد) به ظهور می‌رساند (داوری اردکانی، ۱۳۷۹؛ همو، ۱۳۸۴؛ همو، ۱۳۸۹؛ صانع‌پور، ۱۳۹۱). بر این اساس، تأملی اجمالی در تاریخ بشریت، الگوهای مشخصی را برای انسان آرمانی متبادر می‌کند. انسان آرمانی در یونان قدیم، اسطوره بود و مصادیق آن، زئوس، هرکول، آشیل و نظیر آنها، معرفی شده بود.

انسان آرمانی در قرون وسطای مسیحی، قدیس بود که در سنت آگوستین، سنت آکویناس و سنت آنسلم، تبلور یافت.

انسان آرمانی در تمدن جدید غرب، مهندس افزارساز است که با بروز اراده معطوف به قدرت و تغییر جهان، همراه می‌شود و انسان‌های کمی‌گرای صرف معطوف به قدرت و تغییر جهان را تحویل جامعه انسانی می‌دهد.

انسان آرمانی در غایت تمدن غرب نیز، انسان نوع ۲ است که از آن تحت عنوان خدا-انسان یاد شده و به فراانسان‌گرایی منجر می‌شود.

جدول زیر از انسان آرمانی در دوره‌های تاریخی سخن می‌گوید.

انسان آرمانی در دوره‌های تاریخی

نوع انسان	یونان قدیم	قرون وسطای مسیحی	تمدن جدید غرب	غایت تمدن غرب
انسان آرمانی	اسطوره	قدیس	مهندس افزارساز و بروز اراده معطوف به قدرت و تغییر جهان	انسان نوع ۲ (خدا-انسان)
مصادیق	زئوس، هرکول، آشیل و...	سنت آگوستین، سنت آکویناس و سنت آنسلم	انسان‌های کمی‌گرای صرف معطوف به قدرت و تغییر جهان	فراانسان‌گرایی

منطق حکمی، مبنای حکمروایی حضرت امام عجل الله تعالی فرجه

در بیان مقام معظم رهبری:

امام یک حکیم به معنای واقعی بود؛ یعنی واقعا پشت دیوار و پشت حجاب را می‌دید که ماها قادر نبودیم آن را ببینیم. ایشان چیزهای خیلی ریزتری از آنچه که در حد دید ما بود و هست، می‌دید (۱۳۷۰/۰۹/۰۴).

ایشان در وصف حضرت امام عجل الله فرجه فرمودند:

امام بزرگوارمان این تعبیر و مفهوم را از قلب حکیم عارف و ملهم از ارشادات الهی صادر کردند (۱۳۶۸/۰۹/۲۹).

انقلاب اسلامی، محدود به ایران نیست بلکه نقطه شروع ایجاد حکومت جهانی اسلام است (امام خمینی؛ ۱۳۶۸/۰۲/۰۲). خط کلی نظام اسلامی، رسیدن به تمدن اسلامی (امام خامنه‌ای؛ ۱۳۷۹/۰۷/۱۴) و ایجاد حاکمیت اسلامی است (همو؛ ۱۳۹۴/۰۸/۲۰) و باید حوزه (همو؛ ۱۳۷۹/۰۹/۱۴) و دانشگاه (همو؛ ۱۳۹۴/۰۸/۲۰) نقش آفرینی کنند؛ چراکه دانشگاه مبدأ همه تحول‌ها است (امام خمینی؛ ۱۳۵۸/۰۳/۱۶) و انتخاب درست ریل تمدن نوین اسلامی یا سراب توسعه بر مبنای تمدن جاری غرب، با ایفای نقش سوزن بانی دانشگاه‌ها (امام خامنه‌ای؛ ۱۳۸۶/۰۲/۲۵) میسر است و گام درست و نهایی، ذوب حوزه و دانشگاه است (امام خمینی؛ ۱۳۶۷/۰۴/۲۹) و باید در این عرصه، مکاتب، الگوها، منشورها و دستورالعمل‌ها تدوین شود که مکتب دانشگاهی برای تربیت انسان تراز مهدویت در عصر ظهور و رسیدن به مرجعیت حکمی، فراتر از مرجعیت علمی، یکی از آنهاست.

باید طرحی نو از مواجهه با واقعیات جهان ارائه داد و در کانون آن، به دانشگاه حکمت بنیان و بنیادها و ابعاد عملیاتی کلان آن پرداخت تا پیش‌زمینه‌ای بنیادین برای ارائه الگوی مکتب دانشگاه تراز اسلامی؛ یکپارچگی نظر - عمل به عنوان مهم‌ترین الگو و کانون آن، در دستیابی به تمدن نوین اسلامی باشد که نظام تعلیم و تربیت برآمده از آن، وظیفه سترگ تربیت انسان تراز مهدویت را برعهده دارد. باید تحول علمی و تعالی معنوی دانشگاه‌ها و مدارس و مراکز آموزشی و پژوهشی در تمامی سطوح، مورد توجه صاحب‌نظران محترم حوزه و دانشگاه و پرورش و آموزش، قرار گیرد.

منطق فصل یا منطق وصل؟

در این راستا باید با تبیین و ارائه منطق جدید (وصل) با منظومگی ربوبیت درمقابل منطق هرمی استکبار و نظام سلطه (فصل) با تربیت سلطه‌گر و سلطه‌پذیر، منظومگی بنیاد نظام، نظام یا شبکه مسایل و مسایل متبلور شود. بدین منظور، علم - هنر فن / نفع‌کاوی^۱ ما را یاری می‌کند که منطق کلی - جزئی را به بار می‌آورد و با نسبت کل - جزء اتحاد برقرار می‌کند. از منظر

۱. نفع، ترکیب حروف اول نوآوری - فناوری - علم/ نظر - فناوری - عمل است؛ برای تبیین بیشتر رک: فاتح‌راد و برزنونی (۱۴۰۱).

ترکیبی، منطق ربوبیت به عنوان منطق وصل، در برابر منطق فصل نظام سلطه جهانی، خود را در شبکه کانون‌ها متجلی می‌کند. مکاتب رایج دانشگاهی برای ساماندهی جامعه بشری، با بهره‌گیری از منطق فصل، تفاوت بنیادینی با مکتب دانشگاهی تراز اسلامی مبتنی بر منطق وصل دارد.



مراتب منظومگی ربوبیت؛ منطق وصل

شان نظام اسلامی، ظهور منطقی جدید با منظومگی ربوبیت برای حصول نظام مسائل و تحقق بلوغ/ پیشرفت متعالی است که در برابر منطق هرمی نظام سلطه (منطق فصل) قرار می‌گیرد؛ دو منطق کاملاً متفاوت و متعارض.



منطق هرمی استکبار؛ منطق فصل

منطق هرمی استکبار؛ منطق فصل

در یک مقایسهٔ اجمالی و عمیق می‌توان تمدن غربی را که بر مبنای منطق فصل شکل گرفته، صدای عالم برزخ نامید؛ اما شأن انقلاب اسلامی که بر پایهٔ منطق وصل پدید آمده، صدای عالم ملکوت بوده و الگوی تحول توحیدی را به منصفهٔ ظهور خواهد رساند. این منطق، منجر به شکل‌گیری یک سیر تکاملی از نهاد دانشگاه حکمت بنیان تا الگوی «اسلامی - ایرانی» پیشرفت خواهد شد. در گام دوم انقلاب اسلامی، به عرصهٔ علم و پژوهش اشارتی ویژه شده و بدین معنا است که در تداوم مسیر، باید منطق نوینی درکار آید. در این حرکت، به نسبت بین هفت توصیهٔ نهایی با منطق وصل توجه می‌شود که اگر چنین نشود و منطق کنونی تغییر نیابد، چیزی جز بازتولید دانشگاه‌های غربی، حاصل نشده و آینده چنان رقم نخواهد خورد که هدف آرمانی انقلاب را تحقق بخشد و این منطق نوین، از دانشگاه حکمت بنیان در جامعه متبلور خواهد شد. این منطق جدید، با مراتب نفس، مراتب خلیفگی، مراتب اراده و مراتب ربوبیت، به سوی بساطت میل می‌کند و عبودیت حق را برای انسان به کمال می‌رساند.



مراتب مواجهه / نفس متناوب با مراتب خلیفگی و مراتب اراده و ربوبیت (فاتح راد و برزنونی، ۱۴۰۱)

مواجههٔ حکمت بنیاد و الگوی حکمروایی

منظومهٔ مواجهه با واقعیت؛ منطق یا شیوهٔ توجهی است که آدمی با ابتدای بر حقیقت، واقعیات و نظام آنها را ادراک یا متبلور می‌کند. در تعامل با پروردگار، جهان هستی، دیگر انسان‌ها و خویشین در سطح کلان، از سه مواجهه می‌توان سخن گفت:

الف) مواجههٔ کنش‌پذیرانه؛ مبین شأن انفعالی بشر در برابر طبیعت و باطن آن (یونان، روم و قرون وسطی).

ب) مواجههٔ بیش‌کنشی؛ حاکی شأن فعال بشر و پیشرفت مبتنی بر عقل خودآئین و تغییر جهان (مدرن و پسامدرن).

ج) معماری مواجهه معناگرا؛ مبین هم‌افزایی آدم و عالم در جهت رجوع به رب و رب‌الارباب با مراتب معرفتی حسی (عملی)، عقلی (حلقه واسط بین نظر - عمل) و قلبی (نظری - عملی) و مراتب وجودی الله، فطرت و طبیعت که مواجهه مرتبه‌مند وجودی - معرفتی با غایت عینیت آنها را دنبال می‌کند.

مواجهه حکمت‌بنیاد، مبین مواجهه مرتبه‌مند کشف - خلق معنا است که در دل خود، یکپارچگی نظر - عمل را دارد و متجلی عدالت، زیبایی و منطق یکپارچه کل - جزء است و بلوغ تمدنی را به ظهور می‌رساند. برخلاف تمدن غرب، پیشرفت مرسوم، اصالت ندارد بلکه معماری منظومه‌گون این بلوغ و در قلب آن، دانشگاه حکمت‌بنیان، کانون تحول انسان و جوامع انسانی است. نخ تسبیح این مواجهه، حکمت است که غایت خود را در حکمت بالغه می‌یابد و این منظومگی، بلوغ و پیشرفت را به اتحاد می‌رساند و بلوغ حکمت‌بنیان، متولد می‌شود.

مراتب مواجهه با واقعیت، در سه سطح قابل تبیین است:

- در سطح تحلیل، دستگاه زمینه، ساختار و محتوا، قابل مطالعه و تحلیل است.

- در سطح ترکیب، ثمره، شبکه و استعاره، باید واکاوی شود.

- در سطح بسیط، ربوبیت به ظهور می‌رسد.

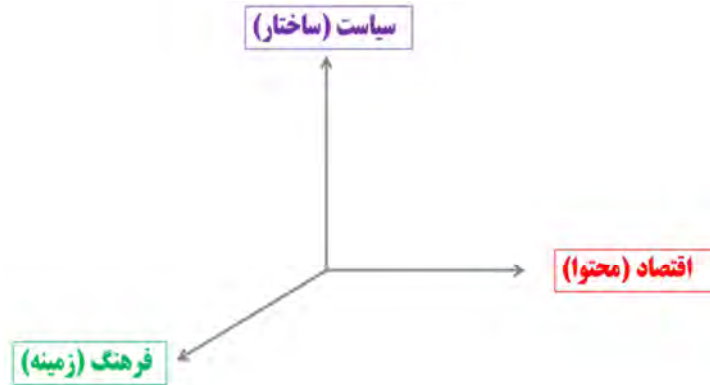
این مراتب در تصویر زیر آمده است:



مراتب مواجهه با واقعیت

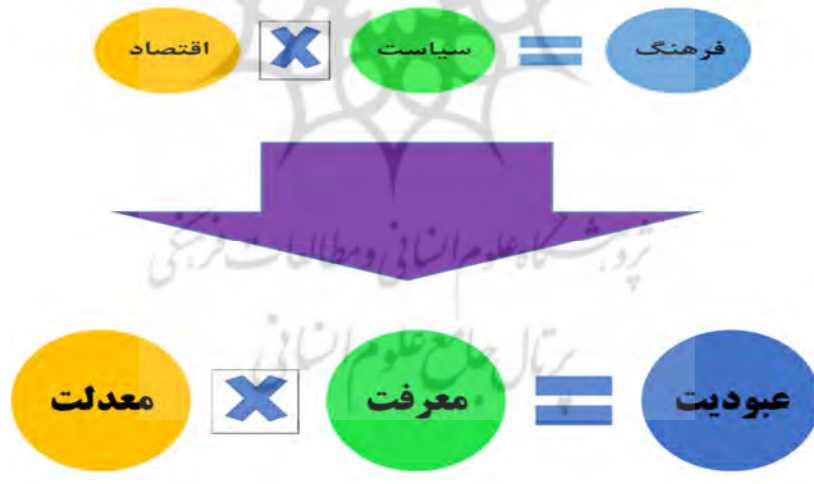
در تحلیل کلان، باید از الگوی تحلیل کلان «اقتصاد - سیاست - فرهنگ» که در شکل زیر

آمده، سخن گفت.



الگوی تحلیل کلان «اقتصاد - سیاست - فرهنگ»

اقتصاد و سیاست، نظام یافتگی فرهنگ را نتیجه می‌دهد و در ادامه باید از منظومگی معدلت - معرفت - عبودیت، پرده برداشت. انسان با تمرکز بیشتر بر اقتصاد، به سوی معدلت حرکت می‌کند. با تمرکز بیشتر بر سیاست، به سوی معرفت گام برمی‌دارد و با تمرکز بیشتر بر فرهنگ، به سوی عبودیت، عروج می‌کند و در سیر کمالی خود، در ربوبیت غرق می‌شود.



از نظام یافتگی در فرهنگ تا منظومگی در عبودیت

اینک باید از منظومه بلوغ حکمت بنیان سخن گفت که مبین الگوی حکمروایی کلان است. منظومگی تحلیل - ترکیب - بساطت که در مراتب مواجهه با واقعیت از آن سخن گفتیم، ما را

به منظومگی ربوبیت می‌رساند.

منظومه بلوغ حکمت بنیان مبین الگوی حکمروایی کلان

مکتب اسلام برای دنیا و آخرت انسان کفایت می‌کند و همه‌اموری را که بشر برای موفقیت و سعادت دنیوی و اخروی نیاز دارد، در اسلام هست که باید آن را شناسایی و استخراج نمود. حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌فرماید:

اسلام، همه چیز است. قرآن، همه چیز است. قرآن «انسان درست‌کن» است، کتاب انسان‌سازی است. قرآن همه چیز دارد: سیاست دارد، فقه دارد، فلسفه دارد، همه چیز دارد. انسان همه چیز است و باید همه احتیاجاتش را قرآن تأمین بکند. انسان یک اعجوبه‌ای است که همه عالم است، و قرآن یک اعجوبه‌ای است که اداره انسان را به همه اقشار می‌کند. در عین حالی که فقیه درست می‌کند، حکیم درست می‌کند، فیلسوف درست می‌کند، شمشیرزن درست می‌کند، جنگجو درست می‌کند (موسوی خمینی، ۱۳۷۸ش: ج ۶، ۲۸۱-۲۸۹).

ما مطیع اسلام هستیم و احکام اسلام را می‌خواهیم جاری بکنیم.... ما اسلام را می‌خواهیم. غیراسلام را نمی‌خواهیم (همان: ج ۱۳، ۴۶-۵۲). اسلام... دارای سیاست و نظام خاص اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی است، که برای تمامی ابعاد و شئون زندگی فردی و اجتماعی، قوانین خاصی دارد، و جز آن را برای سعادت جامعه نمی‌پذیرد (همان: ج ۵، ۳۸۹).

از جمله مسائل مهمی که اسلام به آن پرداخته است، موضوع حکمروایی و الگوی مطلوب آن است. منطق حکمی حضرت امام رحمته‌الله علیه، برای این موضوع نیاز به واکاوی مفهومی دقیق «حکمت» دارد. حکمت؛ جامع نظر - عمل یکپارچه و هم‌افزا و شروع با راهبری نظر و غایت اشراف نظر - عمل یکپارچه است. ساختار ظهور آن، تمدن است که صورت و وجه ساختاری و زبان آن محسوب می‌شود. معماری مرتبه‌مند (معنوی، فکری و مادی) حقایق یقینی و باورهای واقع‌گرایانه آرمانی که در ادراک‌های شهودی، عقلی، حسی، تصمیم‌ها و رفتارهای سعادت‌بخش معنوی و مادی انسان و جوامع انسانی، در تمدن و مصنوع‌های آن پدیدار می‌شود. حکیم با التزام تام به مقدمات، ملازمات و مؤخرات قول و فعل خود و توازن در این ارکان سه‌گانه، برخاسته از توازن درون و قوای نفس، اندیشه و گفتاری متقن در ساختار و محتوای قول و فعل خود را به ظهور می‌رساند و توازن در ساحت‌های نگرش - بینش؛ گرایش - کشش؛ کنش - واکنش - توانش را بروز می‌دهد.

بنیاد حکمی، نظام یافتگی فرهنگ - سیاست - اقتصاد ما را به منظومگی عبودیت - معرفت



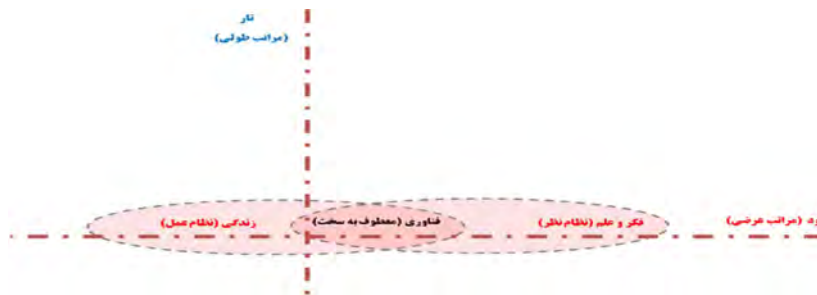
معدلت فرا می برد که از عینیت نظر - عمل و یکپارچگی هست - باید، گذشته - حال - آینده، فرد - جمع، ظاهر - باطن سخن می گوید و با کشف - خلق معنای جدید، دنیا - آخرت را یکپارچه می کند و سامان می دهد.

محور حکمت، تصمیم درست است و اوج هم افزایی نظر - عمل در آن به ظهور می رسد که مشتمل بر تاروپود است. تار، بیانگر مراتب طولی و گسترش معارف حسی، عقلی و قلبی، متناسب با وجوه سه گانه آدمی است و پود، نمایانگر مراتب عرضی و گسترش اخوت و برادری مبتنی بر شئون حسی، عقلی و قلبی است. این هردو، حس تمدن و حس تدین را بازنمایی می کند. معماری حکمت، امتزاج مرتبه مند تاروپود از مراتب پایین حسی تا مرتبه بالای قلبی را نشان می دهد. شکل زیر به صورتی نمادین، معماری یاد شده را نشان می دهد:



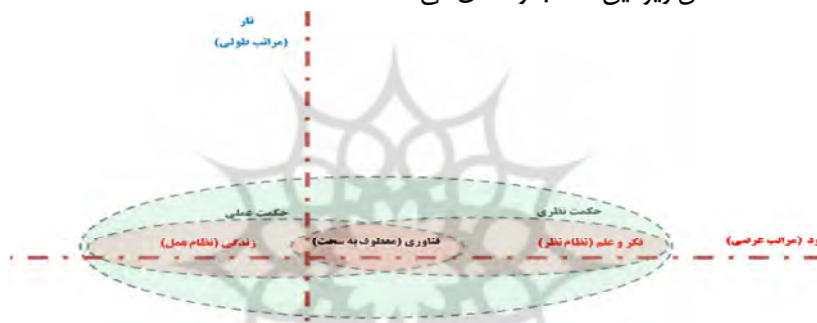
معماری تار در پود (فاتح راد و برزنونی، ۱۴۰۱)

اخوت با پیوستن قلوب و ارتباط دل ها و تجلی آن در رفتارهای حسی و ظاهری و ارتباط عقلی بروز می یابد و تمهید جمهوری اسلامی و مردم سالاری دینی از آن برمی آید و حاصل نهایی آن، تمدن نوین اسلامی است. در تحقق انسان و گروه های انسانی حکیم در سطوح ملی، فراملی و به تعبیر دقیق تری از نگاه تحلیل کلان، مؤلفه های سه گانه «فرد - جمع، ظاهر - باطن و نظر - عمل» با تأکید بر یکپارچگی «نظر - عمل» و راهبری متناسب به اتحاد و قوام می رسد. شأن مورد نظر ما «معرفت - اخوت قلبی - عقلی - حسی» است که در تداوم خود، معماری جدیدی را با نام، معماری همدلی به ثمر می رساند. البته، این نگاه به معنای نفی «معرفت - اخوت» عقلی و حسی نیست بلکه معماری آنها و هدایت مرتبه مند آنها به وسیله معرفت - اخوت قلبی در نظر است. تار، بیانگر مراتب طولی و پود، نمایانگر مراتب عرضی است. در مراتب عرضی، فکر و علم به عنوان نظام نظر و زندگی به عنوان نظام عمل است. در این عرصه، باید از فناوری معطوف به سخت سخن گفت. شکل زیر این عرصه را نشان می دهد:



نظام نظر و نظام عمل در مراتب بود

در همین عرصه، می‌توان در یک نگاه، نظام نظر را حکمت نظری و نظام عمل را حکمت عملی دانست. شکل زیر این مطلب را نشان می‌دهد:



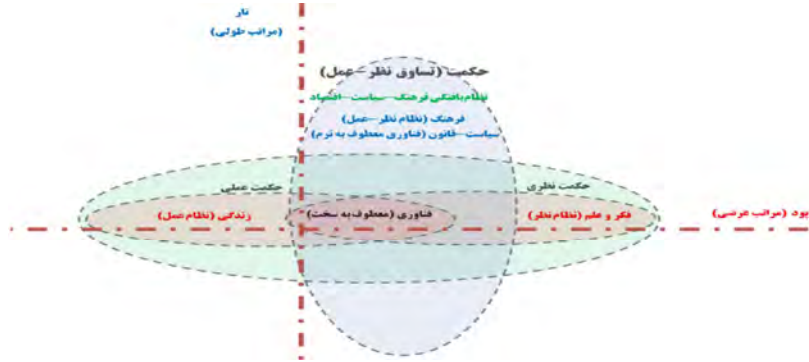
حکمت نظری و حکمت عملی در نظام نظر و عمل

در مراتب تار باید از فناوری معطوف به نرم سخن گفت که حاکی سیاست - قانون است. اندکی بالاتر از آن، فرهنگ از نظام نظر - عمل سخن می‌گوید که باید در نگاه متعالی‌تری از نظام یافتگی فرهنگ - سیاست - اقتصاد پرده برداشت. در مراتب بالاتر از آن، موضوع حکمت؛ تساوق نظر - عمل مطرح می‌شود. شکل زیر این بیان را نشان می‌دهد:



فرهنگ، سیاست و اقتصاد در مراتب تار

منظومه کامل مراتب تار و پود و یکپارچگی نظر - عمل در شکل زیر آمده است:



مراتب تار در پود

در نظر ما، تار یا بسط معارف الهی، شأن میناگرایی؛ پود یا معدلت، شأن کارآمدگرایی؛ تارد ریود، مبین انسجام گرایی کل است. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، منظومه ای است که با یکپارچگی و توازن معنویت، فکر، علم و زندگی آرمان های انقلاب اسلامی ایران را به واقعیت تبدیل می کند. شأن انقلاب اسلامی بر پایه منطق وصل، صدای عالم ملکوت بوده و الگوی تحول توحیدی را به منصه ظهور خواهد رساند. مواجهه این دو منطق، صحنه نبردی هوشمند، پیچیده و ترکیبی را در ابعاد مختلف اعتقادی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و... رقم می زند. در این صحنه، هرگونه نگاه تک بعدی و غیرجامع، محکوم به شکست خواهد بود. در نهایت منظومه مبین الگوی حکمروایی¹ کلان حضرت امام رحمته الله علیه تحت هدایت حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشريف، از دیدگاهی اجمالی به شکل زیر معماری می شود:



این منظومه ارتباطی با در نظر گرفتن تنوع و مراتب الگویی، به صورت اجمالی، معرف هویتی فطرت بنیان و پیشرفت متعالی «فردی - اجتماعی» و در تکاپوی امتزاج مرتبه‌مند تار؛ شامل فناوری، «سیاست - قانون»، فرهنگ، حکمت و حکمت بالغه و در مراتب پود، شامل فکر، ایده، علم، فناوری و زندگی و گسترش مرتبه‌مند و متوازن حکمت یا بلوغ حکمت بنیان است. منظومه تارد ریود، شأن ربوبیتی دارد و در حقیقت «باطنی - ظاهری» مرتبه‌مند فرهنگ، حکمت و حکمت بالغه به تعالی می‌رسد. حاصل منظومگی تار - پود، بنیاد انقلاب اسلامی با رهبری امام خمینی رحمته‌الله علیه و آرمان حاکمیت اسلام بر جهان، نقطه شروع انقلاب جهانی حضرت حجت (ارواح‌نفاذ) است. این منظومه در پائین‌ترین سطح کارکرد خود، امکان هضم تمدن‌های موجود و نهایتاً ارائه یک الگوی تمدنی جدید را دارد. فرهنگ و تفکر جهادی یکی از پیامدهای به‌کارگیری حکمت است، که به دلیل سر و کار داشتن با تفکر، فرهنگ، باورهای دینی و دارا بودن قدرت فوق‌العاده، به دلیل اتصال و توکل به قدرت لایزال الهی و توسل به پیامبر اعظم صلی‌الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم‌السلام، نیز قابلیت بسیج متعهدانه مردمی، کارکردی ویژه می‌یابد که بروز جدی آن، در حل بحران‌های قومیتی، اغتشاش‌ها، ترورها و اوج آن دوران دفاع مقدس قابل مطالعه است. سهم پیروزی در جنگ‌ها از قدرت نرم اعم از قدرت روحی، اراده سربازان، ایمان به هدف، پشتوانه واقعی مردم بصیر و هدایت ویژه امام حکیم بوده و هست. پس از تأمل در شیوه مواجهه با واقعیات براساس دستگاه وجودی - معرفتی حکمت بنیاد، معماری مواجهه حکمت بنیاد، از نوعی معماری همدلی با تار ایمان (اخلاق حاکمیت) در پود عمل صالح (اخلاق اجتماع) و معرفت - اخوت با ضرب ایلافی پرده برمی‌دارد. نتیجه معدلت (عمل) در معرفت (واسط نظر - عمل)، عبودیت (اتحاد نظر - عمل) یا حکمت است که با اکمال - اتمام اخلاقی، حیات طیبه و دین قییم را نشانه می‌رود. در گام بعدی، باید بنیاد و اصول مواجهه و مسائل، نظام مسائل و بنیاد نظام مسائل و نهاد مورد نظر؛ دانشگاه حکمت بنیان را به واکاوی نشست. در این عرصه، حکمرانی؛ شأن حرکت مدیریتی کلان و خرد بالا به پایین دارد و حکمروایی؛ شأن راهبری عمیق و گسترده مبتنی بر مواجهه که جریان‌ها و حرکت مدیریتی کلان و خرد را از بالا به پائین و پائین به بالا به اتحاد می‌رساند و مردم در کانون آن‌اند.

توسعه حکمت در منظومه ربوبیت

منظومگی ربوبیت تبیین شده، با یکپارچگی خانه، مدرسه، مسجد به عنوان مراکز حکمت بنیان و دانشگاه و حوزه به عنوان شبکه مراکز حکمت بنیان معین می شود که در کانون آن، دانشگاه حکمت بنیان قرار دارد و از ذوب حوزه و دانشگاه درهم پدید می آید و ترکیبی جدید رخ می نماید و انسان حکیم، حاصل آن است که تراز انسان مهدویت است. این منظومه، الگوی «بلوغ - پیشرفت» در انقلاب اسلامی است که الگوی توسعه حکمت محسوب می شود.



الگوی «بلوغ - پیشرفت» حکمت بنیان

منظومگی ربوبیت تبیین شده، هم افزایی علوم انسانی، پزشکی، مهندسی و علوم پایه را در یک منظومه حکمت بنیاد ممکن می کند و این ترکیب، شأن هنری دارد.



الگوی هم افزایی علوم و فناوری ها

نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد حاصل در هندسه نظم نوین جهانی، با حضور فعال و

خلاق در شبکه پویا، در کانون خود، پرورش فکر را نهاده است که غایت آن، پرورش انسان اخلاقی تراز مهدویت در مسیر فلسفه خلقت او؛ اوج خلافت الهی و نیز گروه‌های انسانی حکیم و شبکه حاصل در تراز تمدن نوین اسلامی است که تحقق آن در بیانیه گام دوم، تأکید شده است.

علوم و فناوری‌ها در سطح جهانی به سوی همگرایی سیر می‌کنند که زبان مختص خود را دارد. برای مثال، تمرکز بر علوم و فناوری‌های شناختی و در نهایت، NBICS (روکو و دیگران، ۲۰۰۲م) یا دیگر ترکیب‌های فناوری‌های همگرا و تأمل تطبیقی مربوط راهگشاست. در این عرصه باید E را که معرف ETHICS یا اخلاق است، به آغاز ترکیب یادشده افزود و به ENBICS و مراتب منظومگی متناسب دست یافت. از نظر نباید دور داشت که اخلاق در این ترکیب، مشرف بر دیگر مؤلفه‌ها است نه در کنار آنها و کاملاً شأن ترکیبی دارد.



سیر همگرایی در جهان (فاتح‌راد و برزنونی، ۱۴۰۱)

نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد

سخن گفتن در باب نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد، فرصت مناسب دیگری را می‌طلبد. مقام معظم رهبری، هدف دانشگاه را دانشجوپروری می‌دانند: در دانشگاه، هدف دانشجو است؛ یعنی استاد و تحقیق و آزمایشگاه و همه اینها، برای دانشجو است. آن تحقیقی که در محیط دانشگاه انجام می‌گیرد، برای این است که این نیروی انسانی رشد کند و صلاحیت کاری را که برعهده یک نیروی انسانی عالم و کارآمد است، پیدا نماید، تا بتواند آن کار را انجام دهد (۱۳۷۰/۰۹/۲۰).

در این مقاله، تنها به سه موضوع در باب نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد، اشاره‌ای زیبنده است:

الف) اصول

اصول نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد به شرح زیر است:

استادمحوری حکیمانه؛

جهت‌گیری حکمی؛

تربیت همه‌جانبه؛

مدیریت حکمی؛

شاگردپروری حکیمانه.



اصول نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد

ب) ارکان

ارکان نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد در زیست بوم تربیتی حکمی، به شرح زیر است:

اساتید / مربیان حکیم‌پرور؛

گروه‌ها / تشکل‌های حکمت‌بنیان؛

فضا و محیط حکمت‌پرور؛

رشته، دوره، متن و محتوای حکمت‌مدار.



ارکان نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد

ج) ساخت‌ها

ساخت‌های نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد به شرح زیر است:

تربیت فکری - اعتقادی؛

تربیت فرهنگی - اخلاقی؛

تربیت علمی - مهارتی؛

پرورش جسمی.



ساخت‌های نظام تعلیم و تربیت حکمت بنیاد

تشریح و تفصیل مباحث فوق، از عهده این مقاله خارج است و به فرصت مناسب دیگری احاله می‌گردد.

نتیجه‌گیری

آینده تمدن غرب مبتنی بر فصل، از هم‌گسیختگی و تقابل پایدار است. انسان حاصل از این تمدن در نظام تعلیم و تربیت آن، مبتنی بر همگرایی علوم و فناوری‌ها، انسان نوع ۲ (خدا-انسان) است. در این نظام، عبودیت حق، حداکثر به فرهنگ فروکاسته می‌شود. در نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد مبتنی بر منظومگی ربوبیت، با اصول (استادمحوری حکیمانانه؛ شاگردپروری حکیمانانه؛ مدیریت حکمی؛ تربیت همه‌جانبه؛ جهت‌گیری حکمی)، در زیست‌بوم تربیتی حکمی، با ارکان اساتید/ مربیان حکیم‌پرور؛ گروه‌ها/ تشکلهای حکمت‌بنیان؛ فضا و محیط حکمت‌محور؛ رشته، دوره، متن و محتوای حکمت‌مدار، در ساحت‌های فکری- اعتقادی؛ فرهنگی- اخلاقی؛ علمی- مهارتی؛ جسمی، انسان حکیم‌پرورش می‌یابد و دانش حکمی پدید می‌آید و زمینه‌سازی تحقق تمدن نوین اسلامی را با حضور فعال و متعالی در هندسه نظم نوین جهانی فراهم می‌سازد.

ارکان عبودیت، فراتر از اقتصاد و سیاست مرسوم؛ معدلت و معرفت است که حاصل ضرب ایلافی آنها، اوج خلیفگی حق و تحقق عبودیت/ ربوبیت است. انسان و گروه‌های انسانی حکیم و شبکه مرتب حاصل از نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد، جامعه- فرد را به بلوغ متناسب با آن و اوج اخلاق (اکمال- اتمام) می‌رساند. مراتب این بلوغ از منظر غایی در نسبت نفع، حکمت و حکمت‌بالغه قابل تبیین است.



منظر غایی: نسبت نفع، حکمت و حکمت‌بالغه

در سطح نفع (نوآوری- فن‌آوری- علم/ نظر- فن‌آوری- عمل)، خیر و شر نسبی درآمیخته

است و این مسئله خود را در همراهی رفاه و آسایش با بمب‌های اتمی، تخریب محیط زیست، بی‌عدالتی، فروپاشی خانواده و... نشان می‌دهد. در اوج حکمت یا حکمت بالغه، عینیت نظر و عمل یا خیر مطلق وجود دارد و ما با مطلق خیر (کوثر) روبه‌رو هستیم.

با توجه به شکل، تا در سطح نفع هستیم، خیر و شر نسبی با هم عجین است. با عروج به مرتبه حکمت، خیر؛ کثیر و شر نسبی، قلیل می‌گردد. نهایتاً خیر مطلق یا مطلق خیر نیز، شأن حکمت بالغه است. تلاش ما، حرکت به سوی حکمت با الگوی حکمت بالغه است که لازمه آن، حرکت از مرجعیت علمی/ نفعی به سوی مرجعیت حکمی است؛ که با پرورش انسان‌های تراز مهدویت در نظام تعلیم و تربیت حکمت‌بنیاد، در هندسه نظم نوین جهانی، عصر ظهور را رقم خواهد زد.

مراحل عملیاتی تحقق آرمان، در سه فصل قابل تفصیل است که در نوشتارهای دیگری، باید پیگیری شود:

۱. ارائه معانی و مفاهیم عرصه دانشگاه تراز اسلامی و ارائه الگوی اولیه آن و پس از آن، طراحی نمونه آزمایشگاه‌های ترن (توسعه راهبردی نفع)، نفع‌کاوی و زمینه تحقق آن و تمرکز بر ترکیب معیارها برای تحقق اخلاق در اجتماع (پود) و سپس حرکت به سوی همگرایی نظر، فناوری و عمل (نفع) همراه با استخراج نظام مسائل آن.

۲. راه‌اندازی و فعالیت چند نمونه آزمایشگاه و بررسی خروجی آن، تمرکز بر ترکیب معیارها برای تحقق اخلاق در حاکمیت (تار) و سپس فراهم شدن زمینه و مقدمات «سیاست - قانون» کاوی همراه با استخراج نظام مسایل آن.

۳. حاصل ضرب ویژه «سیاست - قانون» کاوی در نفع‌کاوی و ظهور منطق جدید متناسب با زبان و فرهنگ خویش در آزمایشگاه/ رزمایشگاه تمدن، بنیان‌گذاری هسته حکمروایی و حرکت به سوی تمدن نوین اسلامی با الگوی جدید حاصل از ذوب حوزه و دانشگاه و سپس پرده‌برداری از پود؛ اتمام اخلاقی و تارد ریود؛ اکمال اخلاقی.

این مراحل عملیاتی در شکل زیر آمده است.

مراحل تحقق آرمان



مراحل تحقق آرمان

تصویر فوق، مراحل تحقق آرمان را در معرض دیدگان ناظر حکمت جو قرار می دهد. کمال دین، تمام نعمت و تسلیم در مقام رضا را در این آیه می توان مشاهده کرد:

﴿اليوم أكملت لكم دينكم وأتممت عليكم نعمتي ورضيت لكم الإسلام ديناً﴾ (مائده: ۳).

در همین راستا، حدیث شریف نبوی از اتمام مکارم اخلاقی به واسطه بعثت، پرده برمی دارد: *إنما بعثت لأتمم مكارم الأخلاق* (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۶۸: ۳۸۲؛ بیهقی، ۱۴۲۴ق، ج ۱۰: ۳۲۳، ح ۱۹۰۹۶).

منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. ابراهیمی دینانی، غلامحسین (۱۳۸۵ش)، *ماجرای فکر فلسفی در جهان اسلام*، تهران: طرح نو.
 ۲. ابن بطریق، یحیی (۱۴۰۷ق)، *عمدة العیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار (العمده)*، قم: جامعه مدرسین.
 ۳. ابن حنبل، احمد بن محمد (۱۴۱۶ق)، *مسند، بیروت: الرساله*.
 ۴. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۳۶۳ش)، *شفاء (الهیات)*، تهران: ناصر خسرو.
 ۵. ابن سینا، حسین بن عبدالله (۱۴۰۴ق)، *کتاب الشفاء: المنطق*، تحقیق: ابوالعلاء العفیفی، قاهره: وزارة التربية و التعليم.

۶. ابن عربی، محی الدین (۱۳۸۶ش)، *انسان کامل*، ترجمه: گل بابا سعیدی، تهران: جامی.
۷. ابن عربی، محی الدین (۱۳۸۳ش)، *کشف المعنی عن سر الاسماء الحسنی*، ترجمه: علی زمانی قمشه‌ای، تهران: مولی.
۸. ارسطو (۱۳۸۵ش)، *مابعد الطبیعه (متافیزیک)*، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران: طرح نو.
۹. استیونسون، ل؛ هابرم، د. ل؛ رایت، د؛ متیوز، پ (۱۳۹۴ش)، *دوازده نظریه درباره طبیعت بشر*، ترجمه: میثم محمدامینی، تهران: نور.
۱۰. آشتیانی، سیدجلال‌الدین (۱۳۸۶ش)، *تفسیر سوره فاتحه الکتاب*، قم: بوستان کتاب.
۱۱. آملی، سیدحیدر (۱۳۹۲ش)، *ساحت ربوبی، شرح رساله نقد النمود فی معرفه الوجود*، شرح: منصور لاریجانی، بی‌جا: نشر علم.
۱۲. برزنونی، محمدعلی (۱۳۸۱ش)، «معنویت؛ نیاز پایای انسان و رمز ماندگاری جوامع انسانی در کتاب معنویت در مکتب امیرالمؤمنین (علیه السلام)»، *مجموعه مصاحبه‌ها، سخنرانی‌ها و مقالات چهارمین همایش نیایش*، تهران: دانشگاه امام حسین (علیه السلام)، اول.
۱۳. برزنونی، محمدعلی (۱۳۹۵ش)، *نفوذ علمی، خطرناک‌ترین نفوذ؛ نیم‌نگاهی نقادانه به سند آموزش ۲۰۲۰*، اولین همایش ملی نظام سلطه و جریان نفوذ، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام).
۱۴. برزنونی، محمدعلی (۱۳۹۶ش)، «معنویت در آخر الزمان؛ نگاهی آسیب‌شناسانه»، *فصل‌نامه علمی پژوهشی مشرق موعود*، سال یازدهم، شماره ۴۴.
۱۵. برزنونی، محمدعلی؛ نجاران طوسی، حامد؛ فاتح‌راد، مهدی (۱۳۹۸ش)، *دانشگاه تراز انقلاب اسلامی در گام دوم، اولین همایش بین‌المللی گام دوم انقلاب، الگوی نظام انقلابی تمدن‌ساز*، تهران: دانشگاه جامع امام حسین (علیه السلام).
۱۶. بورکهارت، یاکوب (۱۳۸۹ش)، *فرهنگ رنسانس در ایتالیا*، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران: طرح نو، دوم.
۱۷. بینای مطلق، محمود (۱۳۸۵ش)، *نظم و راز*، تهران: هرمس.
۱۸. بیهقی، احمدبن حسین (۱۴۲۴ق)، *السنن الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیه*، سوم.
۱۹. ترازیلوا، یانا (۱۳۹۵ش)، *انسان‌شناسی شناختی: گزیده‌ای از مباحث*، تهران: علمی و فرهنگی، اول.

۲۰. تفنگچی، سینا؛ شکرخواه، یونس؛ خانیکی، هادی و سلطانی فر، محمد (۱۴۰۱ش)، «بدن به مثابه رسانه نوین یا فراانسان گرایی در عصر هوش مصنوعی»، پژوهش های فلسفی، دوره ۱۶، شماره ۴۰.
۲۱. جعفری تبریزی، محمدتقی (۱۳۹۰ش)، آفرینش و انسان، تهران: مؤسسه تدوین و نشر آثار علامه جعفری رحمته الله علیه.
۲۲. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۴ش)، تفسیر انسان به انسان، تنظیم و تحقیق: محمدحسین الهی زاده، ویرایش: سعید بندپی، قم: اسراء، اول.
۲۳. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶ش)، حیات حقیقی انسان در قرآن کریم، تنظیم و تحقیق: غلامعلی امین دین و سعید بندپی، قم: اسراء، سوم.
۲۴. حافظ شیرازی، شمس الدین محمد (۱۳۸۹ش)، دیوان، تصحیح: منصور مهرنگ، بی جا: انتشارات دستان.
۲۵. حسنی آهنگر، محمدرضا (۱۳۹۹ش)، هوش محاسباتی، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، دوم.
۲۶. داودآبادی، مرضیه؛ خزاعی، زهرا (۱۳۸۷ش)، «بررسی مسائل اخلاقی در سیستم های هوشمند»، فصل نامه پژوهش های فلسفی کلامی، شماره ۱۰.
۲۷. داوری اردکانی، رضا (۱۳۷۹ش)، اتوبی و عصر تجدد، تهران: ساقی.
۲۸. داوری اردکانی، رضا (۱۳۸۴ش)، رساله درباره سنت و تجدد، تهران: ساقی.
۲۹. دلیر، بهرام (۱۳۹۷ش)، وجوه سیاسی در اسماء حسنی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۰. دوسک، وال (۱۳۹۳ش)، درآمدی بر فلسفه تکنولوژی، ترجمه: مصطفی تقوی، تهران: مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
۳۱. ربیعی، محمد (۱۴۰۱ش)، فراانسان گرایی؛ الگویی برای زیست آینده، فرهنگ دو ماهنامه امریکاشناسی، شماره ۱۸.
۳۲. روحی، مهدی؛ فیروزکوهی، مهدی؛ کریم زاده، علی؛ برزنونی، محمدعلی؛ حمزه پور، علی؛ صفری، ابراهیم (۱۴۰۱ش)، «چیستی نفوذ فکری - فرهنگی»، نشریه علمی آفاق امنیت، سال پانزدهم، شماره ۵۴.

۳۳. سجادی، سیدجعفر (۱۳۸۰ش)، فرهنگ معارف اسلامی، تهران: کومش، چهارم.
۳۴. سرل، جان (۱۳۹۶ش)، فلسفه در قرن جدید، ترجمه: محمد یوسفی، تهران: ققنوس.
۳۵. شاه‌آبادی، میرزا محمدعلی (۱۳۸۶ش)، رشحات البحار، ترجمه: زاهد ویسی، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۳۶. شمس، مرادعلی (۱۳۸۴ش)، با علامه درالمیزان، قم: اسوه.
۳۷. صانع‌پور، مریم (۱۳۹۱ش)، اسطوره‌شناسی یونانی و مدرنیتة غربی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
۳۸. صدر، موسی (۱۳۹۱ش)، روح تشریح در اسلام، ترجمه: موسی اسوار و احمد ناظم، تهران: مؤسسه فرهنگی تحقیقاتی امام موسی صدر رحمته‌الله‌علیه، اول.
۳۹. صفار، محمدبن حسن (۱۴۰۴ق)، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد، محقق و مصحح: محسن بن عباسعلی کوجه باغی، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، دوم.
۴۰. ضیاشهبابی، پرویز (۱۳۸۳ش)، «پابه پای ارسطو به جستجوی دانش برین»، فلسفه تحلیلی، دوره ۱، پیاپی شماره ۱.
۴۱. ضیمران، محمد (۱۳۹۰ش)، میشل فوکو: دانش و قدرت، تهران: هرمس، ششم.
۴۲. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۳ش)، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمد موسوی همدانی، تهران: بنیاد علمی فرهنگی علامه طباطبایی با همکاری مرکز نشر مؤسسه امیرکبیر.
۴۳. طوسی، خواجه نصیرالدین (۱۳۹۱ش)، اخلاق ناصری، ترجمه: مجتبی مینوی، و علیرضا حیدری، تهران: خوارزمی.
۴۴. فاتح‌راد؛ مهدی، برزنونی؛ محمدعلی (۱۴۰۱ش)، مواجهه حکمت بنیاد؛ بن‌لایه‌های پیشرفت، توسعه و حکمرانی دانشگاه حکمت بنیان، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام.
۴۵. فرامرز قراملکی، احد (۱۳۷۳ش)، موضع علم و دین در خلقت انسان، بی‌جا: مؤسسه فرهنگی آرایه.
۴۶. فولر، استیو (۱۳۹۳ش)، علم، ترجمه: محمدابراهیم محبوب، تهران: گمان، دوم.
۴۷. قرشی، باقر شریف (۱۴۲۹ق)، موسوعة الإمام أميرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیه‌السلام، محقق: مهدی باقر القرشی، قم: مؤسسه الکوثر للمعارف الإسلامية.

۴۸. قندوزی حنفی، سلیمان بن ابراهیم (۱۴۱۶ق)، *ینایع الموده لذوی القربی*، تحقیق: سیدعلی جمال اشرف الحسینی، الطبعة الأولى، بی جا: دار الأسوة للطباعة والنشر.
۴۹. قونوی، صدرالدین (۱۳۸۷ش)، *مکرة العارفين*، ترجمه: محمد خواجوی، تهران: مولی.
۵۰. کدیور، محسن (۱۳۸۷ش)، «ابن سینا و طبقه بندی حکمت»، *دوفصل نامه جاویدان خرد*، سال پنجم، شماره ۱۱، دوره جدید.
۵۱. کریمی، یاشار؛ اردلانی، حسین (۱۳۹۶ش)، «بدن زیسته مرلوپونتی و جایگاه بدن در فلسفه ترابشریت»، *دوفصلنامه علمی هستی و شناخت*، شماره (۴) ۲.
۵۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵ش)، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۷۴ق)، *اصول کافی*، ترجمه: محمدباقر کمره‌ای، تهران: دفتر مطالعات و تاریخ معارف اسلامی.
۵۴. کیانی‌راد، مریم (۱۳۹۰ش)، «طبقه بندی در تاریخ»، *ماهنامه سوره*، آذر و دی، شماره ۵۴ و ۵۵.
۵۵. مازاریان، علیرضا (۱۳۹۸ش)، «تحلیل انتقادی استدلال عدم تفاوت مربوط در دفاع از حقوق هوش مصنوعی»، *فصلنامه پژوهش‌های فلسفی کلامی*، شماره ۲۱.
۵۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحارالانوار*، بیروت: دار احیاء التراث العربی، دوم.
۵۷. محمدعلی خلیج، محمدحسین (۱۳۹۳ش)، «دریغوس و تاریخ فلسفی هوش مصنوعی»، *دوفصلنامه غرب شناسی بنیادی*، شماره (۱) ۵.
۵۸. مخبر، عباس (۱۳۹۳ش)، *اوماتیسیم*، تهران: مرکز، پنجم.
۵۹. مایوسفی، مجید؛ رضایی مستقیم، رضا (۱۳۹۳ش)، «نگاهی به نظریه اصلاح نژاد فرانسیس گالتن»، *دوفصلنامه پژوهش‌های علم و دین*، شماره (۱) ۵.
۶۰. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۶۰)، *مصباح الهدایه الی خلافة والولایه*، ترجمه: سیداحمد فهری، بی جا: پیام آزادی.
۶۱. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۳ش)، *تفسیر سوره حمد*، تهران: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.
۶۲. موسوی خمینی، سید روح‌الله (۱۳۷۸ش)، *صحیفه*، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته علیه.
۶۳. نجاران طوسی، حامد؛ حسنی آهنگر، محمدرضا و برزنونی، محمدعلی (۱۳۹۶ش)،

- شاخص‌های کلیدی استحکام درونی (پیش‌روندگی) دانشگاه جامع امام علیه السلام، دانشگاه تراز انقلاب اسلامی، همایش شاخص‌سازی عملکرد در پیش‌روندگی سپاه، تهران: دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام.
۶۴. نجاران طوسی؛ حامد، فاتح‌راد؛ مهدی، برزنونی؛ محمدعلی (۱۳۹۸ش)، *دانشگاه تراز انقلاب اسلامی*، تهران: مؤسسه چاپ و انتشارات دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام، سوم.
۶۵. نجاران طوسی؛ حامد، فاتح‌راد؛ مهدی، برزنونی؛ محمدعلی، حسنی‌آهنگر؛ محمدرضا و محمدی، ابوالفضل، (۱۳۹۶ش)، «الگوی دانشگاه تراز انقلاب اسلامی»، *فصلنامه مدیریت اسلامی*، شماره ۲۵ (۳).
۶۶. نصری، عبدالله (۱۳۷۳ش)، *مبانی جهان‌شناسی در قرآن*، تهران: امیرکبیر.
۶۷. نوری، محمدعلی (۱۳۹۶ش)، «نسبت حکمت عملی با شاخه‌های آن در اندیشه فارابی»، *دوفصلنامه هستی و شناخت*، دوره ۴، شماره ۲.
۶۸. نیچه، فردریش (۱۳۷۹ش)، *حاشیه‌های ترجمه، چنین گفت زرتشت*، ترجمه: داریوش آشوری، تهران: نشر آگه.
۶۹. هجویری، ابوالحسن بن علی بن عثمان (۱۴۰۰ق)، *کشف المحجوب*، تهران: سروش، سیزدهم.
۷۰. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر مقام معظم رهبری، Khamenei.ir.
۷۱. پایگاه جامع استاد شهید مرتضی مطهری، mortezamotahari.com.
72. Aksu, Okan (2019) Artificial Intelligence in the Era of Transhumanism Smart Phones, in S. Sisman-Ugur; G. Kurubacak (Eds), Handbook of Research on Learning in the Age of Transhumanism (pp. 157-170) IGI Global. <https://doi.org/10.4018/978-1-5225-8431-5.ch010>
73. Badmington, Neil (2000) Posthumanism (Readers in Cultural Criticism). Palgrave Macmillan. ISBN 0-333-76538-9.
74. Barad, Karen. (2007) Meeting the Universe Halfway: Quantum Physics and the Entanglement of Matter and Meaning. Durham, North Carolina: Duke University Press. ISBN 9780822339175.
75. Bostrom, Nick (2005) "A history of transhumanist thought" (PDF). Retrieved 2006-02-21.
76. Bostrom, Nick. (2005) Transhumanist Values, [in Ethical Issues for the 21st Century, ed. Frederick Adams (Philosophical Documentation Center Press, 2003); reprinted in Review of Contemporary Philosophy, Vol. 4.

77. Brown, Warren. (2021) *A. I. and Transhumanism*, <https://medium.com/illumination/a-i-and-transhumanism-1115f9309662> published at 9 February 2021.
78. Chalmers, A. (1990). *Science and its Fabrication*. 1st Edition, University of Minnesota Pres.
79. Cole-Turner, Ron. (2022) *Posthumanism and Transhumanism*. in *Encyclopedia of Religious Ethics*, W. Schweiker (Ed.). <https://doi.org/10.1002/9781118499528.ch122>
80. Esposito, Roberto (2011) "Politics and human nature" (PDF). doi:10.1080/0969725X.2011.621222. Retrieved 2013-06-06.
81. Ferrando, Francesca (2013) "Posthumanism, Transhumanism, Antihumanism, Metahumanism, and New Materialisms: Differences and Relations" (PDF). ISSN 1932-1066. Retrieved 2014-03-14.
82. Giesen, Klaus-Gerd. (2018) *Transhumanism as the dominant ideology of the fourth industrial revolution*, *Journal international de bioéthique et d'éthique des sciences*, Issue 3.
83. gigadeath – the characteristic number of people that would be killed in any major late 21st century war, if one extrapolates up the graph of the number of people killed in major wars over the past 2 centuries Garis, Hugo de. "The Artilect War - Cosmists vs. Terrans" (PDF). agi-conf.org. Retrieved 14 June 2015.
84. Graham, Elaine. (2002) *Nietzsche gets a modem': transhumanism and the technological sublime*, *Literature and Theology*, 16(1): 65-80. Oxford University Press.
85. Hardy, Michael. (2018) *Meet the Transhumanists Turning Themselves into Cyborgs*, <https://www.wired.com/story/transhumanism-cyborg-photo-gallery/> published in 17 September 2018.
86. Hasan Bulut, Mehmet. (2021) *Transhumanism and future of humanity towards digital slavery*, *dailysabah*, available in: <https://www.dailysabah.com/life/history/transhumanism-and-future-of-humanity-towards-digital-slavery> published in 24 January 2021.
87. Hayles, N. Katherine (1999) *How We Became Posthuman: Virtual Bodies in Cybernetics, Literature, and Informatics*. University Of Chicago Press. ISBN 0-226-32146-0.
88. Helminski, Kabir. (2018) *The Spiritual Challenge of AI, Trans - Humanism, and the Post-Human World*, <https://www.tikkun.org/the-spiritual-challenge-of-ai-trans-humanism-and-the-post-human-world/> published in 21 December 2018.
89. Hugo de Garis (2002) "First shot in Artilect war fired". Archived from the original on 17 October 2007.

90. Isserow, Lee (2016). *Human 2*. (4 Book Series), Kindle.
91. J. Childers/G. Hentzi eds. , (1995) *The Columbia Dictionary of Modern Literary and Cultural Criticism*.
92. Johnston, J. (2008) *The Allure of Machinic Life: Cybernetics, Artificial Life, and the New AI*, MIT Press.
93. Joostin, Peter (2022) *Transhumanism Technology: current examples*, <https://www.peterjoosten.org/transhumanism-technology/> published in 17 March 2022.
94. Latzer, Michael. (2022) *The Digital Trinity - Controllable Human Evolution - Implicit Everyday Religion*. Köln Z Soziol 74: 331–354. <https://doi.org/10.1007/s11577-022-00841-8>
95. Livingstone, D. (2015) *Transhumanism, The History of a Dangerous Idea*. Creospace Independent Publishing Platform.
96. *Machines Like Us interviews: Hugo de Garis*". 3 September 2007. Archived from the original on 7 October 2007. Retrieved 23 July 2017.
97. McNamee MJ, Edwards S. D. (2006) *Transhumanism, medical technology and slippery slopes*. *Med Ethics*; 32(9):513-8. Doi: 10.1136/jme.2005.013789. PMID: 16943331; PMCID: PMC2563415.
98. Miller, Joe. (2022) *Eugenics, Transhumanism, And Artificial Intelligence*, <https://mindmatters.ai/2022/01/eugenics-transhumanism-and-artificial-intelligence/> published in 13 January 2022.
99. More, Max. (1990) *Transhumanism: towards a Futurist Philosophy*. *Extropy*, 6: 6-12.
100. Roco, M. C., and Bainbridge, W. S. (2002) *Converging Technologies for Improving Human Performance*. National Science Foundation (NSF).
101. Santaella, L. (2003) *Da cultura das mídias à cibercultura: o advento do pós*
102. *humano, Famescos*, 23: 23-32.
103. *The Darkness Before the Right*. Archived from the original on 17 May 2016. Retrieved 23 July 2017 .

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مشرق

سال هجدهم، شماره ۷، بهار ۱۴۰۳